

عایدات بپذیریم، ولی من پاسخ دادم که مالیه، حرفه من نیست.» [۱۱]
دیگر کار همزمان دولت کودتا، پیش از تخلیه نظامیان انگلیس، رسمیت بخشیدن به معاهده ایران و روس بود. این توافقنامه در همان روز اعلام لغو قرارداد ایران و انگلیس به امضاء نمایندگان دولتین ایران و روس رسید. همچنان که گفته شد دولت انگلیس چشم خود را بر این توافق، حتی در زمان روی کار آمدن «دولت مقتدر» ضدروسی، بست تا اطمینان دیگری از هجمه نکردن روس‌های کمونیست به درون مرزهای ایران به دست آورده باشد.

با رد ظاهری قرارداد ایران و انگلیس و امضای معاهده ایران و روس، «مقدمه»، یعنی اطمینان قطعی از سرکوب تلاطمات سیاسی / بلشویکی از یک طرف و اطمینان [نسبی از عدم تهاجم نظامی روسها از سوی دیگر، حاصل شده بود. اینک نوبت «ذی المقدمه» یعنی تأسیس ارتش یکپارچه و قشون متحدالشکل، خواست دیرین دولت انگلیس بود که دست‌کم از سال ۱۳۳۹ ق تا آن روز/ ۱۳۳۹ ق منشأ سه کودتای کوچک و بزرگ شده بود.

الغای قرارداد ایران و انگلستان را اعلام می‌دارم تا تأثیرات سویی بر سیره ما نداشته باشد، زیرا در ظرف صد سال اخیر در سخت و تیره‌ترین دقایق تاریخ ما، انگلستان به دفعات دست دوستانه خود را برای مساعدت نسبت به ایران دراز کرده و از طرف دیگر ایران نیز به دفعات نسبت به انگلستان صداقت و وفاداری خود را ثابت نمود.» [۸]

گفته‌های سید ضیاء به نورمن با نوشته‌هایی که به خورد همگان می‌داد یکسان نبود. «طبق اطمینانی که سیدضیاء به من داد، قدم‌های لازم بی‌درنگ برداشته خواهد شد تا عده‌ای از افسران و مستشاران انگلیسی در وزارتخانه‌های جنگ و مالیه مشغول خدمت گردند، ولی استخدام آنها به طور خصوصی، بر اساس قرارداد بین الاثنین، صورت خواهد گرفت تا بهانه به دست دشمنان ما نیفتد که هو بیندازند و بگویند قراردادی که لغو شده بود، به نحو دیگری به معرض اجرا گذاشته شده است. نیز، به گفته سیدضیاء، دقت خواهد شد که فعالیت این گروه از کارمندان ارشد انگلیسی در دوایر دولتی ایران، حتی المقدور جلب توجه عامه را نکند.» [۹]



“

بارد ظاهری قرارداد ایران و انگلیس و امضای معاهده ایران و روس، «مقدمه»، یعنی اطمینان قطعی از سرکوب تلاطمات سیاسی / بلشویکی از یک طرف و اطمینان نسبی از عدم تهاجم نظامی روسها از سوی دیگر، حاصل شده بود. اینک نوبت «ذی المقدمه» یعنی تأسیس ارتش یکپارچه و قشون متحدالشکل، خواست دیرین دولت انگلیس بود که دست‌کم از سال ۱۳۳۹ ق تا آن روز/ ۱۳۳۹ ق منشأ سه کودتای کوچک و بزرگ شده بود. در اهمیت کودتای اخیر و نقش برجسته کلنل هنری اسمایت به این جمله عین السلطنه می‌توان اعتماد کرد که «این اطلاع خصوصی من است که پس از این موفقیت کلنل اسمایت، برای او نشان D-S-O آمد و تلگراف تهنیت از لندن و هندوستان و بین‌النهرین.»

در اهمیت کودتای اخیر و نقش برجسته کلنل هنری اسمایت به این جمله عین السلطنه می‌توان اعتماد کرد که «این اطلاع خصوصی من است که پس از این موفقیت کلنل اسمایت، برای او نشان D-S-O آمد و تلگراف تهنیت از لندن و هندوستان و بین‌النهرین.» [۱۲]

پی‌نوشت‌ها

- [۱] فرازی از کتاب «رضانام تارضاخان» اثر برگزیده بخش مستندنگاری جایزه جلال آل‌احمد و بخش روایت تاریخی جشنواره شهید اندرزگو
- [۲] خاطرات و سفرنامه ژنرال آبرونساید، ص ۲۱۱.
- [۳] روزنامه ایران، س ۵، ش ۸۶۲ (۲۱ جمادی الثانی ۱۳۳۹)، ص ۳.
- [۴] عبدالله مستوفی اطلاعیه سید ضیاء را پس از رسیدن به مقام ریاست وزرا چنین توصیف می‌کند: «چون روزنامه‌نویس و به علاوه تازه کار و هوچی هم بود و در مقابل کسی را هم نمی‌دید که ایرادی یا لامحاله جمله معروف «آرام‌تر» را به او بگوید، مثل این که می‌خواهد مقاله برای روزنامه رعد تدارک کند، این جمله‌ها را به قلم آورده بود. (شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۱۸۱۹).
- [۵] روزنامه ایران، س ۵، ش ۸۶۲ (۲۱ جمادی الثانی ۱۳۳۹)، صص ۱ و ۲.
- [۶] زمینه‌چینی‌های انگلیس برای کودتای ۱۲۹۹، ص ۱۴۲.
- [۷] خاطرات و سفرنامه ژنرال آبرونساید، ص ۲۱۲.
- [۸] روزنامه ایران، س ۵، ش ۸۴۲ (۲۱ جمادی الثانی ۱۳۳۹)، ص ۲.
- [۹] «سند رابطه سید ضیاء‌الدین با انگلیسی‌ها»، کتاب جمعه، س ۱، ش ۴ (شهریور ۱۳۸۸)، صص ۳۹ تا ۲۳.
- [۱۰] «نقدی بر تقریرات سید ضیاء»، ص ۷۹۸.
- [۱۱] East and West of Zagros, p ۳۱۷.
- [۱۲] روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۸، ص ۵۹۱۹.

آنچه دولت انگلیس صرف نظر کرد، کالبد قرارداد ۱۹۱۹ بود. آنچه دولت انگلیس اراده چشم پوشی از آن نداشت، روح قرارداد و دمیدن آن به پیکر حاکمیت ایران به وسیله دولت کودتا بود. «رئیس الوزرا جدید به من گفت که اگر بریتانیا بخواهد نفوذ و قدرت سابق خود را کماکان در ایران داشته باشد باید ظاهر را رها کند و باطن را بجسبد. به این معنی که نفوذ خود را در آتیه، به عکس سابق، از پشت پرده اعمال و طوری رفتار کند که سیمای بریتانیای کبیر، حتی المقدور، به چشم ملت ایران نخورد. سید ضیاء کاملاً مطمئن بود که اگر مانصایح و پیشنهادها را او را به کار بندیم، چنین سیاستی در مرحله آخر به نفع کامل بریتانیا تمام خواهد شد و اغلب آن مزایایی را که دولت ما تحت قرارداد ۱۹۱۹ به دست آمده بود، بعد از الغاء قرارداد نیز کماکان در پشت پرده حفظ خواهد کرد.» [۱۰]

اسناد به جا مانده می‌گوید که هوش و حواس سیدضیاء، دست‌کم در هفته‌های اول پس از کودتا، در پی یافتن مستشاران انگلیسی برای قشون و مالیه بود. او می‌کوشید از مأموران انگلیسی موجود در ایران، حتی اگر مهارتی در آن کار نداشتند، بهره گیرد. «من هفته دوم مارس [هفته سوم اسفند ۱۲۹۹] را در تهران گذراندم و با سیدضیاء و کاظم [سیاح] دیدار داشتم. هر دوی آنها بسرعت از پس وظایف جدیدشان بر آمده بودند. سیدضیاء به من گفت که در پی رد موافقتنامه ایران و انگلیس، که موضوع جدالهای فراوانی بوده، جایگزینی نیافته، ولی پیشنهاد کرد که مشاورهای انگلیسی را در وزارتخانه‌های کلیدی جنگ و مالیه نگه داریم و برای کمک به شاخه‌های دیگر مدیریت‌های کم اهمیت، در جاهای دیگر جست و جو کنیم. او به من اصرار کرد که بمانم و پستی را در اداره

سیدضیاء می‌خواست فردای این دیدار، در متن بیانیه خود، خبر الغای قرارداد را نیز بدهد. «به عقیده وی بدون اعلام لغو شدن قرارداد، کابینه‌اش هرگز نخواهد توانست شروع به کار کند. اما چنان که می‌گفت، توأم با اعلامیه مربوط به لغو قرارداد، اعلامیه دیگری نیز به این مضمون منتشر خواهد شد که قصد دولت ایران از لغو قرارداد مزبور، ابراز هیچ‌گونه خصومت نسبت به بریتانیای کبیر نیست و کابینه جدید منتهای سعی خود را به کار خواهد برد تا حسن نیت ایران را نسبت به انگلستان که به عقیده وی مهم‌ترین شرط بقای استقلال ایران است [!] ثابت کند.» [۷]
سیدضیاء، بخش مربوط به الغای قرارداد را در اعلامیه خود چنین نوشت: «ما آزادیم و آزاد باقی خواهیم بود. به نام همین اصول و به خاطر همین اصول است که من الغاء قرارداد ایران و انگلستان مورخه اوت ۱۹۱۹ را اعلام می‌دارم؛ قراردادی که موقع انعقاد آن وضعیات دنیا دگرگون بود و موجباتی که ما را ناگزیر به استفاده از آن می‌نمود دیگر وجود ندارد. اراده قطعی اصلاحات داخلی و تصمیم به عظمت و نیرومندی قشون، ما را از احتیاج به قراردادهایی که در نتیجه وضعیات تغییر یافته دنیا و حوادث بر ما تحمیل گشت مستغنی می‌سازد. من